

رویکرد انگلستان به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی برجام

ابوذر گوهری مقدم*

یویا کلانتری**

چکیده

با توجه به اینکه انگلستان از قدرت‌های عرصه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، لازم است رویکرد این کشور در قبال برنامه مهم هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به درستی فهم گردد. در این پژوهش، با مطالعه موردی مذاکرات سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ که به توافق هسته‌ای برجام منتهی شد، راهبرد و سیاست انگلستان به عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای گروه ۵+۱ در مسئله هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی و سعی شده است سیاست خارجی این کشور در برابر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تبیین شود. پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از «چیزی رویکرد انگلستان نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای برجام». برای دستیابی به پاسخ این پرسش با استفاده از روش تحلیل مضمون، پس از بررسی اسناد اصلی و متن سخنرانی‌های موجود و مرتبط با موضوع در دولت و پارلمان بریتانیا و موضع‌گیری این کشور در زمان مذاکرات هسته‌ای، سعی شده است، سیاست خارجی این کشور در مسئله هسته‌ای تبیین شود. در این نوشتار برای بررسی و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی انگلستان در موضوع مذکور از پیش‌نظریه «جیمز روزنا»، استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که توافق‌نامه برجام مطابق خواست و منافع ملی انگلستان نگاشته شده و این کشور برای امضا و حفظ آن تلاش‌های فراوانی کرده است.

واژه‌های کلیدی: انگلستان، جمهوری اسلامی ایران، برجام، صنعت هسته‌ای

gohari@isu.ac.ir

* دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)

kalantari@isu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۸

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۳۶-۵

مقدمه

موضوع مذاکرات هسته‌ای و نمود آن در سیاست خارجی کشورهای مذاکره‌کننده، توجه اندیشمندان حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده است. انگلستان به‌عنوان مهم‌ترین متحد آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، نقشی کلیدی در پیشبرد مذاکرات ایفا می‌کرد. از طرفی انگلستان یکی از قدرت‌های بزرگ در عرصه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود و از طرفی دیگر دولت جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر تلاش کرده است که با مذاکرات هسته‌ای، رضایت کشورهای بزرگ جهان از جمله انگلستان را برای ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و درعین حال لغو و یا تعلیق تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور جلب نماید. به همین دلیل، فهم صحیح از رویکرد انگلستان در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اهمیت می‌یابد. این پژوهش، با مطالعه موردی مذاکرات سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۴ که به توافق هسته‌ای برجام منتهی شد، به بررسی راهبرد انگلستان در مذاکرات هسته‌ای می‌پردازد و سعی دارد سیاست خارجی این کشور را در برابر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تبیین کند. برای دستیابی به پاسخ این پرسش از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. در این پژوهش با بررسی اسناد اصلی و متن سخنرانی‌های مربوط در دولت و پارلمان بریتانیا و همچنین با بررسی موضع‌گیری این کشور در زمان مذاکرات هسته‌ای، سعی شده است که سیاست خارجی انگلستان در مسئله هسته‌ای تبیین شود. در این نوشتار از «مدل پیوستگی جیمز روزنا»، برای تبیین سیاست خارجی انگلستان در برابر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کمک گرفته شده است. این مدل با ترکیب رهیافت خرد و

کلان در تحلیل مسائل سیاست خارجی و بین‌الملل، زمینه را برای ارائه تحلیلی جامع از نحوه عملکرد انگلستان در موضوع مدنظر فراهم آورده است. جیمز روزنا در سطح تحلیل خرد به چهار عامل فرد، نقش، متغیرهای حکومتی و متغیر شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش، حکومت و عوامل اجتماعی توجه داشته و به این عوامل، عامل مهم محیط بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه نموده است. در این مقاله نیز با استفاده از متغیرهای خرد حکومتی و همچنین متغیر کلان محیط بین‌الملل به تبیین و تحلیل عملکرد انگلستان پرداخته شده است. هدف از انجام این تحقیق، شناخت سیاست خارجی انگلستان نسبت به جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مسئله هسته‌ای است. امری که باعث آماده‌تر شدن مسئولان سیاست خارجی برای مقابله با سیاست‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

با توجه به جستجوهای انجام‌شده در مقاله‌ها و کتاب‌های فارسی و لاتین تاکنون به مسئله هسته‌ای و توافق‌نامه برجام با محوریت انگلستان پرداخته نشده است. پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه مذاکرات برجام، بیشتر به موضوعاتی از قبیل تأثیر مذاکرات هسته‌ای و توافق‌نامه برجام بر اقتصاد ایران و یا امنیت ایران، منطقه غرب آسیا و جهان بین‌الملل پرداخته‌اند و کمتر به بررسی نقش کشورهای مختلف در به سرانجام رسیدن این مذاکرات پرداخته شده است. در مقاله‌ها و کتاب‌هایی هم که به نقش کشورها در این زمینه و یا تأثیر برجام بر کشورها پرداخته شده، بیشتر نقش کشورهای آمریکا و ایران که نقش کلیدی‌تری نسبت به دیگر اعضا داشته‌اند و تأثیر توافق‌نامه هسته‌ای برجام بر دو کشور مذکور، بررسی شده است. برای مثال می‌توان به مقاله «مطالعه تطبیقی نقش و جایگاه برجام در نظام حقوقی ایران و آمریکا» نوشته «مردانی و حسین‌زاده» (۱۳۹۶) اشاره کرد. با توجه به آنچه گفته شد تمرکز بر نقش کشور انگلستان در مذاکرات هسته‌ای (برجام)، مسئله اصلی این پژوهش است که جنبه‌ای بدیع دارد.

در این مقاله ابتدا به توضیح روش و مدل تحلیلی پژوهش پرداخته شده؛ سپس پیشینه تاریخی مذاکرات هسته‌ای و اهمیت توافق‌نامه برجام برای انگلستان

و همچنین مواضع دولت این کشور در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در طول مذاکرات هسته‌ای (برجام) بررسی شده است. بخش پایانی مقاله نیز به تبیین راهبردها و مؤلفه‌های سیاست خارجی بریتانیا در مذاکرات هسته‌ای برجام اختصاص یافته است.

۱. روش‌شناسی

در این نوشتار، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است؛ چرا که این روش یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی است (Todres & Holloway, ۲۰۰۳). تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و گوناگون را به داده‌هایی مهم و معنادار تبدیل می‌کند (Clarke, 2006 & Braun). می‌توان گفت که تحلیل مضمون، روشی برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتب و تحلیل اطلاعات کیفی است.

مضمون یا تم، در حقیقت مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌های تحقیق است و تا حدودی، مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون، الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و در گام نخست به توصیف و سازماندهی مشاهدات و در گام بعد به تفسیر و تبیین جنبه‌هایی از آن می‌پردازد (Boyatzis, ۱۹۹۸: ۴). شناخت مضمون، از مهم‌ترین کارها در تحقیقات کیفی است و به عبارتی، قلب تحلیل مضمون است. شعور متعارف، ارزش‌های محقق، جهت‌گیری‌ها و پرسش‌های تحقیق و تجربه محقق درباره موضوع، در نحوه شناخت مضامین، تأثیرگذار است. به‌طور کلی روش‌های مختلفی برای شناخت مضامین وجود دارد؛ از جمله: توجه به کلمات تکراری و کلیدی در متن، موشکافی و دقت در متن برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود، توجه به آرایه‌های ادبی و خصوصیات زبان‌شناختی متن و دستکاری و جابه‌جایی فیزیکی متن (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۱-۱۶۲).

روش تحلیل مضمون دارای سه مرحله، شش گام و بیست اقدام است که در نمودار زیر به اختصار بیان شده است (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۸).

جدول ۱. فرایند تحلیل مضمون

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توحیف متن	۱- آشنا شدن با متن	- مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	- پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها
	۳- جست‌وجو و شناخت مضامین	- تطبیق دادن کدها با قالب مضامین - استخراج مضامین از بخش‌های کدگذاری شده متن - پالایش و بازبینی مضامین
۲- تشریح و تفسیر متن	۴- ترسیم شبکه مضامین	- بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضامین - انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر - ترسیم نقشه(های) مضامین - اصلاح و تأیید شبکه(های) مضامین
	۵- تحلیل شبکه مضامین	- تعریف و نام‌گذاری مضامین - توحیف و توضیح شبکه مضامین
۳- ترکیب و ادغام متن	۶- تدوین گزارش	- تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها

در این پژوهش نیز سعی شده است با استفاده از روش تحلیل مضمون به پرسش اصلی پاسخ داده شود. به همین دلیل ابتدا منابع لاتین مرتبط با موضوع جمع‌آوری و بررسی شده و سپس با کدگذاری، استخراج و شناخت شبکه مضامین به تحلیل این شبکه پرداخته شده است. در پایان نیز با استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها و همچنین مرتبط نمودن نتایج تحلیل با پرسش‌های پژوهش و الگوی تحلیلی، گزارشی تدوین شده است.

برای روش تحلیل مضمون مزایای متعددی می‌توان برشمرد؛ از جمله: انعطاف‌پذیری، یادگیری و اجرای نسبتاً آسان و سریع، روش مفیدی برای تحلیل‌های کیفی مناسب جهت تدوین خط مشی، ارائه نتایج قابل عرضه و استفاده برای

همه افراد تحصیل کرده، امکان برجسته کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در کل داده‌ها، روش مفیدی برای تحقیقات مشترک با همکاران و شرکت‌کنندگان در تحقیق و امکان تلخیص مفید ویژگی‌های کلیدی متن (Braun & Clarke: ۲۰۰۶).

در کنار مزایایی که برای روش تحلیل مضمون ذکر شد، این روش معایبی نیز دارد؛ برای مثال انعطاف‌پذیری این روش - که طیف گسترده‌ای از ابزارها و تحلیل‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد - بدین معنی است که طیف گسترده‌ای از چیزها را می‌توان به داده‌ها نسبت داد. اگرچه انعطاف‌پذیری، مزیت تحلیل مضمون است، می‌تواند عیب نیز باشد؛ زیرا رهنمودهای خاصی برای تحلیل‌های سطح بالاتر عرضه نمی‌کند، از این رو، ممکن است پژوهشگر خودش تصمیم بگیرد که به بخشی از داده‌ها تمرکز کند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

۲. مدل تحلیلی

رشته روابط بین‌الملل در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به دو بخش سیاست بین‌الملل و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی تقسیم شد که مرکزیت این دو بخش را دولت تشکیل می‌داد. در حالی که در تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، بر ویژگی‌های درونی دولت نگاه می‌شد تا رفتار دولت را به این وسیله توضیح دهد، در سیاست بین‌الملل، به روابط آن با دیگر دولت‌ها و تعاملات حاصل از آن توجه می‌شد تا در نهایت بتواند صفات نظام بین‌الملل را توضیح دهد (Kubalkova, ۲۰۰۱: ۷۹-۸۰).

در نتیجه، تحلیل روابط بین‌الملل با دو رهیافت اصلی خرد و کلان صورت می‌پذیرفت. رهیافت خرد بر تأثیر ساختار داخلی کشورها بر رفتار و سیاست خارجی دولت‌ها و تفاوت‌های موجود در سیاست خارجی تأکید می‌کرد. به اعتقاد این دسته از تحلیل‌گران، تفاوت در رفتار کشورها حاکی از اهمیت ساختار داخلی بود. این رهیافت بر سه سطح افراد تصمیم‌گیرنده، گروه‌های تصمیم‌گیرنده و دیوان‌سالاری‌ها (سازمان‌های اداری مؤثر در فرایند تصمیم‌گیری) تمرکز داشت (Smith and Hollis, ۱۹۹۰: ۷-۹). رهیافت کلان نیز به کل نظام بین‌الملل توجه داشت و بر تأثیر ساختار بین‌الملل بر سیاست خارجی دولت‌ها تأکید بسیاری

می‌کرد. در این رهیافت کشورها به عنوان کنشگران اصلی نظام بین‌الملل، همچون توپ‌های بیلبارد محسوب می‌شدند که ماهیت درونی آنها یکسان محسوب شده و بر چگونگی چرخش آنها بر روی میز بیلبارد بین‌الملل تأثیری ندارد (رسولی ثانی آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲۳۸-۲۳۹).

برای ارائه تحلیلی جامع و تجزیه و تحلیل سیاست خارجی دولت‌های نظام بین‌الملل باید از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان استفاده کرد. با توجه به موضوع این پژوهش و همچنین سیاستی که انگلستان در موضوع مذکور در پیش گرفته، به نظر می‌رسد که برای تحلیل رویکرد انگلستان به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای برجام نیز باید از هر دو سطح تحلیل خرد و کلان بهره برد؛ چرا که چستی سیاست انگلستان در این موضوع به شدت به دو متغیر حکومتی (خرد) و ساختار بین‌الملل (کلان) وابسته است. از سویی ساختار حکومتی انگلستان، جمهوری اسلامی ایران را دشمن خود تعریف کرده است و به همین دلیل تلاش می‌کند تا با ابزارهای مختلف؛ از جمله تحریم و مذاکره، اهرم‌های قدرت همچون صنعت هسته‌ای را از دست جمهوری اسلامی ایران خارج نماید و از سویی دیگر ساختار نظام بین‌الملل اقتضا می‌کند که انگلستان در کنار مهم‌ترین متحدش یعنی ایالات متحده آمریکا بایستد و تلاش کند با کمک به آمریکا و با محروم نمودن جمهوری اسلامی در استفاده از صنعت هسته‌ای، راه برای سلطه بیشتر کشورهای غربی در نظام بین‌الملل مخصوصاً منطقه غرب آسیا فراهم‌تر شود (بیات و کلاتری، ۱۳۹۷: ۲۰).

یکی از مهم‌ترین نظریه پردازانی که با ارائه پیش‌نظریه سیاست خارجی خود و همچنین مدل پیوستگی سیاست خارجی، زمینه را برای اتصال دو سطح تحلیل خرد و کلان فراهم کرده، جیمز روزنا است. به همین منظور وی در سطح تحلیل خرد به چهار عامل فرد، نقش، متغیرهای حکومتی و متغیر شخصیت فردی تصمیم‌گیرندگان، نقش، حکومت و عوامل اجتماعی توجه داشته و به این عوامل، عامل مهم محیط بین‌المللی را نیز در سطح کلان اضافه نموده است (فریدون و قوام، ۱۳۹۷: ۱۸۵).

مدل روزنا این امکان را به صورت روشمند فراهم می‌کند تا مجموعه‌ای از متغیرها را در سه سطح فردی، ملی و بین‌المللی اعم از مادی و معنایی بتوان برای تحلیل سیاست خارجی کشورها بررسی کرد. این پنج دسته از منابع که توسط روزنا بیان شده، متشکل از متغیرهای فراوانی است که اولین متغیر، متغیر فردی است. متغیرهای فردی ناظر به ویژگی‌های شخصیتی تصمیم‌گیرندگان و سیاست‌گذاران؛ از جمله ویژگی‌های شخصیتی، محیط ادراکی و روانی و تعامل شخصیت و نقش است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۷۰).

متغیر دوم مورد توجه روزنا، منابع نقشی است. بین شخصیت و نقش رابطه‌ای معکوس وجود دارد. نقش به معنای انتظارات خاصی است که از هر پست و منصبی می‌رود. در واقع دایره صلاحیت‌ها و اختیارات آن پست را نقش می‌نامند. همان‌طور که مشخص است نقش محدودیت‌های انتخابی و رفتاری ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر نقش انتخاب‌ها و گزینه‌های تصمیم‌گیرنده را محدود می‌کند. با اینکه شخصیت‌ها متفاوت است، در پست و مقامی که قرار می‌گیرند مجبور به ایفای نقش در آن پست و مقام هستند. بنابراین پست و نقش ویژگی‌های شخصیتی را محدود می‌کند. هر چه که شخصیت قدرتمند باشد تأثیر نقش کمتر است و هر چه شخصیت ضعیف‌تر باشد میزان تأثیرگذاری نقش بیشتر است. اینکه شخصیت چه تعریفی در مورد نقش بدهد می‌تواند تأثیر متفاوتی در سیاست خارجی داشته باشد. برخی از تصمیم‌گیرندگان حتی در دایره و محدوده صلاحیت‌ها و اختیارات نقش هم نمی‌توانند نقش ایفا کنند. برخی دیگر با توجه به ارائه یک تعریف موسع از نقش، تا حد ممکن سعی می‌کنند که از آن محدودیت‌ها فراتر روند. البته این به معنای آن نیست که فرد می‌تواند فراتر از اختیارات تعریف شده برود. بنابراین نقش باعث استمرار در سیاست خارجی می‌شود. این در حالی است که ویژگی‌های شخصیتی تغییر می‌کند (Rosenau, ۱۹۷۱: ۹۵-۴۰۵).

متغیرهای سوم (حکومتی) هم ناظر بر نظریه‌هایی است که تأکیدشان بر ویژگی‌های ساختارهای حکومتی است؛ مثل نظریه «صلح دموکراتیک». بحث اصلی این است که نوع نظام سیاسی بر سیاست خارجی تأثیرگذار است. لذا یک

دسته از متغیرهایی که در سیاست خارجی انگلستان باید مورد توجه قرار گیرد، متغیرهای حکومتی است؛ یعنی نظام پادشاهی مشروطه و ساختارهای سیاسی این کشور به لحاظ ماهوی و ساختاری و بوروکراتیک چه تأثیری بر سیاست خارجی انگلستان در قبال موضوع صنعت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران گذاشته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۸۰-۸۲). واضح است که سیاست خارجی انگلستان نیز همانند دیگر قدرت‌ها در خلاء پدید نمی‌آید؛ بلکه تحت تأثیر سلسله متغیرهای درون حکومتی همچون ساختار سیاسی و فرآیند تصمیم‌گیری در این کشور است. در این فرایند، وزرا و مقامات و متخصصان سیاست خارجی انگلستان با بحث بر سر مزایا و معایب سیاست‌های گوناگون پیرامون موضوعات مختلف در عرصه سیاست خارجی، سیاست‌گذاری می‌کنند. هنگامی که یک سیاست خارجی خاص تدوین گردید در گام بعد نیازمند تفسیر توسط کارگزاران رسمی و سپس اجرای آن به منظور دستیابی به اهداف مدنظر است. بنابراین، سیاست‌گذاری، تفسیر و اجرا سه مرحله متداخل در فرایند سیاست‌گذاری خارجی در انگلستان هستند. البته در واقعیت، اغلب داوری در این مورد که کدام یک از این مراحل در کجا تمام می‌شود و مرحله بعد آغاز می‌شود دشوار است. نوع ایفای نقش و ترکیب بازیگران دخیل در این فرایند بسته به اهمیت و ماهیت موضوع، متفاوت است. برای مثال در موضوع مذاکرات هسته‌ای، نقش دفتر نخست‌وزیر و وزارت خارجه نقشی کلیدی بود (حسینی متین، ۱۳۸۷: ۶۲۵).

دسته چهارم متغیرها مربوط به ویژگی‌های ملی می‌شود. این متغیرها ناظر به جامعه کشورها فارغ از حکومت‌هاست. جامعه انگلستان به لحاظ تاریخ، جمعیت، فرهنگی، اجتماعی، ایدئولوژی و مذهب ویژگی‌های خاص خود را دارد. مثلاً جامعه این کشور تکثرگراست و از قومیت‌های گوناگون تشکیل شده است و این موضوع بر سیاست خارجی انگلستان تأثیر می‌گذارد. ژئوپلیتیک انگلستان نیز بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. اینکه انگلستان یک کشور بین‌المللی است و در منطقه جغرافیایی خاصی قرار گرفته بر سیاست خارجی‌اش تأثیر می‌گذارد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۹۹).

آخرین نوع متغیرها، متغیرهای بین‌المللی هستند. البته توجه به این متغیر به معنای پذیرش جبرگرایی ساختاری که معتقد است سیاست خارجی معلول سیستم و ساختار نظام بین‌الملل است، نیست؛ بلکه منظور این است که بخشی از عوامل تعیین‌کننده در سیاست خارجی معطوف به این متغیرهای ساختاری است. به‌عنوان مثال تردیدی نیست که سیاست خارجی انگلستان در موضوع صنعت هسته‌ای ایران، تابع سیاست خارجی آمریکا در راستای حفظ نظم جهان بین‌الملل فعلی و فراهم‌تر نمودن زمینه برای سلطه بیشتر کشورهای غربی بر نظام بین‌الملل مخصوصاً منطقه غرب آسیا بوده است. در همین راستا انگلستان در سند استراتژی امنیت ملی، دفاع و امنیت استراتژیک در سال ۲۰۱۵ به صراحت بیان می‌دارد: «نظم جهانی قاعده محور، وابسته به تقویت استانداردها و قوانینی است که گستره گسترده دامنی از فعالیت‌ها و رفتارها، از کنوانسیون‌های ژنو گرفته تا کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریا را پوشش می‌دهد. در این زمینه به ویژه در همکاری با کشورهای انگلستان، فرانسه، آلمان، ایالات متحده، چین، روسیه و اتحادیه اروپا در به سرانجام رساندن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) با ایران موفقیت‌هایی به دست آمده، بنابراین ایران باید به تعهدات خود عمل کند تا این مساله را تضمین نماید که برنامه‌های هسته‌ای‌اش منحصراً صلح‌آمیز است و برای جامعه جهانی خطری ایجاد نمی‌کند؛ چرا که برخی از دولت‌های قدرتمند و بازیگران غیردولتی به صورتی فزاینده از هنجارهای بین‌المللی‌ای که به باورشان خلاف منافعشان اجرا می‌شوند یا به غرب توجه دارند، چشم‌پوشی می‌کنند» (Government Cameron's, ۲۰۱۵: ۲۰). در بررسی این متغیر باید توجه داشت که چگونه ساختار بین‌الملل (متحدان، رقبا و دشمنان)، سیاست خارجی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۱۲-۱۱۷).

با توجه به محتوای این پژوهش، در مقاله حاضر به تأثیر دو متغیر حکومتی و ساختار بین‌الملل در جهت‌دهی سیاست خارجی انگلستان در مسئله صنعت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تمرکز و نشان داده خواهد شد که چگونه نظام حکومتی این کشور با وجود حضور بازیگران متعدد و مختلف و همچنین ساختار

نظام بین‌الملل در ساختن سیاست خارجی انگلستان در پرونده مذکور مؤثر بوده است.

۳. پیشینه تاریخی

با توجه به گسترش تعاملات ایران و انگلستان در اواخر دهه ۱۳۷۰، به نظر می‌آید که در دهه ۱۳۸۰ نیز ارتباطات دوجانبه ایران و انگلستان ادامه یابد. اما با آشکار شدن پیشرفت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، روابط ایران و انگلستان دچار تغییر و تحول شد. نمود عینی این تغییر روابط را می‌توان در جایگزینی گفت‌وگوهای مشروط به جای گفت‌وگوهای فراگیر دید. به گونه‌ای که اتحادیه اروپا در سال ۱۳۸۲ش. در بیانیه‌ای اعلام کرد که مذاکرات اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی، مشروط به اقدامات مثبت این کشور در عرصه‌های حقوق بشر، عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و فرایند صلح اعراب و اسرائیل است. با توجه به آنکه پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مطرح شده بود، این موضوع در صدر مذاکرات ایران و اروپا قرار گرفت (نوری‌ساری، ۱۳۹۱: ۵۸).

به این ترتیب مذاکرات هسته‌ای بین ایران و سه کشور اروپایی (انگلستان، فرانسه و آلمان) آغاز شد و طی سه مرحله طرفین به توافقاتی نائل شدند. مذاکرات و توافقات مذکور عبارت بودند از:

الف) مذاکرات تهران؛ در این مذاکرات پذیرفت که گازدهی به سانتریفیوژ را متوقف کند و به صورت شفاف به همه سؤالات آژانس پاسخ دهد و همچنین پروتکل الحاقی را به صورت داوطلبانه امضا کند. طرف غربی هم می‌پذیرد که پرونده هسته‌ای ایران را در آژانس حل و فصل کند و اگر روزی آمریکا آن را یک‌جانبه به شورای امنیت برد، از حق وتو استفاده کند.

ب) توافقنامه بروکسل؛ چهار ماه پس از مذاکرات تهران، در ۴ اسفند ۱۳۸۲، تیم هسته‌ای در سفر به بروکسل با طرف غربی مذاکره می‌کند. ایران تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژ و اعمال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی نسبت به تمامی تأسیسات موجود را می‌پذیرد، اروپا نیز

متعهد می‌شود که برای شناسایی تلاش‌های ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام به منظور عادی کردن اجرای پادمان‌ها و پروتکل الحاقی در ایران به صورت فعال کار کند (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). پس‌ازاین توافقنامه، درحالی‌که تهران از همراهی اروپا مطمئن بود اروپایی‌ها در اقدامی خائنانه، نه تنها موضوع هسته‌ای ایران را در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ شورای حکام از دستور کار خارج نمی‌کنند؛ بلکه قطعنامه شدیدالحنی نیز علیه ایران در این اجلاس تصویب می‌کنند. همین مسئله زمینه‌ساز مذاکرات بعدی شد.

ج) توافقنامه پاریس؛ دیپلمات‌های دو طرف در نهایت در ۲۴ آبان ماه پیرامون متن واحدی به توافق نهایی دست یافتند. ایران در این توافق‌نامه به عنوان اقدامی داوطلبانه در جهت اعتمادسازی - و نه به عنوان یک تعهد قانونی - پذیرفت که کلیه فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری مانند ساخت، تولید، نصب، آزمایش، سرهم‌بندی و راه‌اندازی ساترپیوژهای گازی و فعالیت‌های مربوط به جداسازی پلوتونیم را متوقف کند. سه کشور اروپایی در این موافقت‌نامه به تیم مذاکره‌کننده ایرانی وعده دادند پس از اینکه تعلیق راستی‌آزمایی شد، مذاکرات با اتحادیه اروپا در مورد موافقت‌نامه تجارت و همکاری از سرگرفته شود و آن‌ها به‌طور فعال از شروع مذاکرات الحاق ایران به WTO حمایت کنند. یک هفته پس از مذاکرات، تهران فعالیت‌های تأسیسات هسته‌ای UCF را به حالت تعلیق درمی‌آورد. اما چند روز پس از تعطیلی تأسیسات اصفهان بدون توجه به موافقت‌نامه پاریس، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با توجه به گزارش ۱۵ نوامبر مدیرکل، تشکیل جلسه داد و قطعنامه‌ای را در ۲۹ نوامبر ۲۰۰۴ (۸ آذر ۱۳۸۳) تصویب کرد که برخلاف انتظار ایرانی‌ها، بسیار انتقادی و ناامید کننده بود.

به هر طریق روند مذاکرات با سه کشور اروپایی تا تابستان سال ۱۳۸۴ به طول انجامید که ماحصل آن، اجرای پروتکل الحاقی و تعلیق داوطلبانه همه فعالیت‌های هسته‌ای بود. این وضعیت در ایران غیرقابل قبول تلقی می‌شد. درنهایت در روزهای آخر دولت خاتمی، اولین قدم به سمت پیشرفت برداشته و تصمیم بر این شد که کارخانه یوسی.اف اصفهان راه‌اندازی شود. نتایج ناموفق

مذاکرات هسته‌ای با ایران، باعث تغییر تدریجی رویکرد تنش‌زدایی در سیاست خارجی بریتانیا نسبت به ایران و تمایل آن به سمت نوعی نزدیکی بیش از اندازه به سیاست خارجی امریکا گردید.

با توجه به آنچه گفته شد واضح است که سیاست خارجی انگلستان در قبال جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰، سیری نزولی داشت؛ به طوری که در پایان این دوران، با توجه به تحولات یادشده از جمله مخالفت انگلستان با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و همچنین حمایت این کشور از فتنه سال ۱۳۸۸، روابط ایران و انگلستان رو به سردی می‌رود و در نهایت در آبان ماه ۱۳۹۰ به طور کلی قطع می‌شود. تا سال ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت جدید در ایران، روابط ایران و انگلستان به همین شکل بود؛ اما با انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس دولت یازدهم ایران و بسته شدن پرونده هسته‌ای ایران توسط توافقنامه برجام، روابط ایران و انگلیس شکل دیگری به خود گرفت.

۴. اهمیت برجام برای انگلستان

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این حوزه باید مورد بررسی قرار گیرد، سیاست این کشور در قبال امضای معاهده برجام است. بر اساس پیش‌نظریه پیوستگی جیمز روزنا در سطح خرد، ساختار حکومتی انگلستان و در سطح کلان، محیط بین‌الملل، نقش مهمی در تعیین میزان اهمیت برجام برای این کشور ایفا می‌کنند. به طور قطعی می‌توان گفت که ساختار حکومتی این کشور کاملاً از توافقنامه برجام رضایت داشت و با تمام توانش از امضای آن حمایت می‌کرد؛ چرا که این توافقنامه را در راستای گسترش صلح و ثبات نظام بین‌الملل برای منافع و اهداف کشورهای غربی می‌دید. به همین منظور متیو ریکرافت^۱، سفیر انگلیس در سازمان ملل در جلسه ۱۷۳۷ شورای امنیت در سال ۲۰۱۵ گفت «توافق جامع هسته‌ای با ایران به نفع همه ما است؛ این توافق برای جامعه بین‌المللی بهترین راه برای اطمینان از عدم توانایی ایران در تولید تسلیحات هسته‌ای است ... بنابراین، بریتانیا

تمام تلاش خود را برای اجرای برنامه جامع اقدام مشترک برای کمک به شروع این روند ادامه خواهد داد. ما به تمام طرف‌های درگیر نگاه می‌کنیم تا همین کار را انجام دهند» (Rycroft, ۲۰۱۵). فیلیپ هاموند^۱، وزیر خارجه وقت بریتانیا نیز درباره فواید توافقنامه برجام برای جامعه جهانی عنوان کرد: «این توافقنامه تضمین می‌کند که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد، بنابراین منطقه‌ای امن‌تر ایجاد می‌شود و در عین حال فرصت‌هایی را برای همکاری مجدد ایران با جامعه بین‌المللی ایجاد می‌کند؛ زیرا تحریم‌ها به تدریج برداشته می‌شوند.» (Hammond, ۲۰۱۵). در سال ۲۰۱۶ نیز بوریس جانسون^۲، وزیر خارجه وقت انگلستان، رضایتش از توافقنامه برجام را این‌گونه بیان داشت: «من معتقدم که برای رسیدن به توافق هسته‌ای با ایران ارزش ۱۲ سال وقت گذاشتن را داشت. من فکر می‌کنم این یک دستاورد واقعی دیپلماسی بود که به تبدیل شدن جهان به مکانی امن‌تر کمک کرده است» (Johnson, ۲۰۱۶). وی همچنین در اولین سالروز اجرای برجام اعلام کرد: «به نظر من برجام یک موفقیت بزرگ محسوب می‌شود و ما قصد داریم تمام تلاشمان را در حفظ و اجرای آن به کار ببریم» (Johnson, ۲۰۱۶).

نمایندگان پارلمان بریتانیا (دو حزب اصلی) نیز از توافقنامه برجام رضایت داشتند. به همین دلیل پس از امضای برجام به دولت این کشور برای موفقیتش در انعقاد این توافقنامه تاریخی تبریک گفتند. برای مثال کریسپین بلانت^۳، رئیس کمیته بین‌المللی مجلس عوام انگلیس با تبریک به وزیر امور خارجه این کشور برای موفقیتش در مذاکرات برجام، گفت: «این توافق، راه را برای همکاری بیشتر با ایران در منطقه باز می‌کند» (Blunt, ۲۰۱۵). جرمی کوربین^۴، رهبر حزب مخالف، نیز با اشاره به فواید توافقنامه برجام گفت: «خوشحالم که این توافق حاصل شده است؛ چراکه این یک گام بزرگ به سمت جلو محسوب می‌شود ... مطمئناً این توافق یک فرصت عالی برای پایان دادن به گسترش سلاح‌های هسته‌ای در کل

1. Philip Hammond
2. Boris Johnson
3. Crispin Blunt
4. Jeremy Corbyn

منطقه است» (Corbyn, ۲۰۱۵).

موضع گیری‌های فوق، نشان از اهمیت برجام برای انگلستان و همچنین رضایتمندی ساختار حکومتی این کشور از توافقنامه مذکور دارد؛ چرا که این کشور پیامدهای بین‌المللی این توافق را برای انگلستان مفید می‌داند. حال که اهمیت برجام و شدت علاقه این کشور به حفظ و اجرای آن از سوی ایران روشن شد، بهتر است به تبیین نقش و مواضع دولت بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای (برجام) پردازیم.

۵. مواضع دولت بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در طول مذاکرات هسته‌ای (برجام)

در این بخش به تبیین سیاست انگلستان در قبال برنامه هسته‌ای ایران در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، توافقنامه ژنو و توافقنامه وین پرداخته شده است.

۵-۱. سیاست خارجی بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای ایران در مقطع انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲

انتخابات سال ۱۳۹۲ در ایران در حالی برگزار می‌شد که دولت بریتانیا وعده برداشته شدن تحریم‌های فلج‌کننده را به ایران می‌داد. به عبارت دیگر ساختار حکومتی بریتانیا در سطح خرد و همراهی این کشور با دیگر متحدان خود در نظام بین‌الملل در سطح کلان، دولت این کشور را به اجرای سیاست اعمال تحریم‌های فلج‌کننده تشویق می‌کرد. البته این وعده، یک پیش‌شرط داشت و آن هم محدود شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود. سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا در ماه می سال ۲۰۱۳ در همین راستا بیان داشت: «اگر ایران قدم‌های محکمی برای پرداختن به نگرانی‌های اساسی در مورد گسترش سلاح‌های اتمی بردارد، گروه ۱+۵ برای بازگشت اقدامات متعادل و متقابل از جمله در مورد رفع تحریم‌ها آماده می‌شود. در مقابل اگر ایران به مسیر فعلی‌اش ادامه دهد، با توجه به نگرانی‌های جامعه جهانی در مورد برنامه هسته‌ای این کشور، مجموعه‌ای از بسته‌های تحریمی بین‌المللی در

مورد ایران وجود دارد و این کشور با تحریم‌های سخت‌تری مواجه خواهد شد» (spokesperson FCO, ۲۰۱۳).

با پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت جدید با دیدگاه و راهبردی متفاوت در عرصه هسته‌ای و تعامل با کشورهای غربی، کشور انگلستان ضمن ابراز خرسندی از این انتخاب، از رئیس‌جمهور جدید ایران می‌خواهد که از فرصت استفاده کند تا ایران با حل پرونده هسته‌ای‌اش، مسیر دیگری را برای آینده رقم بزند (Office Foreign, spokesperson, ۲۰۱۳). در مرداد ماه همان سال نیز، دیوید کمرون^۱، نخست‌وزیر بریتانیا طی نامه‌ای به رئیس‌جمهور ایران با ابراز خرسندی از این انتخاب نوشت: «ابراز امیدواری می‌کنم که انتخابات شما فرصتی برای بهبود روابط بین کشورهای ما باشد. بهبود روابط دوجانبه روندی تدریجی خواهد بود و چندین موضوع از جمله مسئله هسته‌ای و بحران سوریه باید مورد توجه قرار گیرد» (Cameron, ۲۰۱۳).

از موضع‌گیری‌های دولت انگلستان، بعد از روشن شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در ایران این‌طور برداشت می‌شود که برنامه هسته‌ای ایران برای انگلستان پدیده‌ای نامبارک به‌شمار می‌رود و این کشور حاضر است برای منصرف کردن ایران از داشتن صنعت هسته‌ای دست به اقدامات مختلفی بزند. سیاست خارجی کشور انگلستان در آن مقطع، سیاست چماق و هویج بود. به‌طوری که از طرفی با تشویق ایران به مذاکره و حل نمودن معضلات اقتصادی‌اش از این طریق، سعی می‌کردند از طرق دیپلماتیک، صنعت هسته‌ای را از دست ایران خارج کنند و از طرفی دیگر سعی می‌کردند با سلاح تحریم، ایران را وادار به تغییر مسیر بکنند.

۵-۲. سیاست خارجی بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای ایران از توافق ژنو تا توافق وین

همان‌طور که تحلیل‌گران سیاسی پیش‌بینی می‌کردند، با روی کار آمدن دولت

1. David Cameron

جدید در ایران، مذاکرات هسته‌ای مسیر جدیدی پیدا کرد. مسیری که کشورهای غربی از جمله انگلستان به شدت از آن رضایت داشتند. وزیر امور خارجه انگلیس، رویکرد جدید ایران به مذاکرات هسته‌ای را مثبت خواند و از آن استقبال کرد و گفت: «دیپلمات‌ها برای اولین بار بحث‌های اساسی‌تری با ایران در مورد چگونگی پرداختن به نگرانی‌های جدی جامعه جهانی در مورد برنامه هسته‌ای ایران آغاز کرده‌اند. من به شدت امیدوارم به زودی مذاکرات به نتایج مشخص منجر شود. ایران باید اقدامات اولیه لازم را در برنامه هسته‌ای خود انجام دهد و ما آماده هستیم تا در عوض، اقدامات متناسب انجام دهیم» (Hague, ۲۰۱۳).

در همان ایام دیوید کامرون برای اولین بار بعد از بیش از یک دهه با رئیس‌جمهور ایران تماس گرفت و درباره مذاکرات هسته‌ای هفته آینده در ژنو با ایران سخن گفت. در این تماس تلفنی آنها توافق کردند که تلاش‌ها برای بهبود روابط را به صورت گام به گام و متقابل ادامه دهند. در مورد برنامه هسته‌ای ایران نیز هر دو دولت موافق بودند که پیشرفت قابل توجهی در مذاکرات اخیر ژنو حاصل شده است و مهم این است که از فرصت پیش آمده توسط دور بعدی مذاکرات، استفاده شود (Cameron, ۲۰۱۳).

سرانجام با توجه به علاقه کشورهای غربی برای حل مسئله هسته‌ای ایران از طریق دیپلماتیک و همچنین تلاش‌های دولت جدید ایران برای رسیدن به توافق هسته‌ای با غرب به هر صورت ممکن، اولین دستاورد این مذاکرات که توافقنامه ژنو نام گرفت در سوم آذرماه ۱۳۹۲ امضا شد. طبیعی بود که با توجه به امتیازات فراوانی که دولت ایران در ازای وعده برداشته شدن تحریم‌ها به غرب داده بود، انگلستان از توافق مذکور راضی باشد. در همین زمینه وزیر امور خارجه انگلستان ضمن استقبال از توافقنامه ژنو به عنوان یک لحظه مهم در روابط بین‌الملل گفت: «من فکر می‌کنم که این یک لحظه مهم برای روابط ما با ایران و همچنین جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای است. این اولین باری است که توافق بین‌المللی با ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور به توافق رسیده است. این بدان معنی است که به عنوان توافق مرحله اول، برنامه هسته‌ای ایران قادر نخواهد بود طی شش ماه

آینده پیش برود و حتی از بعضی جهات به عقب برگردانده می‌شود» (Hague, ۲۰۱۳).

دیوید کمرون، نخست وزیر انگلستان نیز در واکنش به امضای این توافق گفت: «اکنون ما یک توافق بین‌المللی با ایران داریم که ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای دور می‌کند. این اولین گام مهم است که اکنون باید کاملاً عملی شود. ما به منظور دستیابی به یک توافق جامع و نهایی که به‌طور کامل نگرانی‌های واقعی و اساسی جامعه جهانی را برطرف می‌کند، به اجرای تحریم‌ها به‌طور محکم ادامه خواهیم داد» (Cameron, ۲۰۱۳).

در ساختار حکومتی بریتانیا نه تنها دولت، بلکه نمایندگان مجلس این کشور نیز از امضای توافق ژنو حمایت کردند. در همین زمینه، دیوید تریزمن^۱، نماینده پارلمان بریتانیا از حزب کارگر، با تشکر از دولت این کشور برای تلاش در انعقاد توافق هسته‌ای با ایران گفت: «من معتقدم که توافق بین ایران و قدرت‌های غربی، احتمال اینکه ایران در آینده‌ای نزدیک سلاح هسته‌ای بسازد را کاهش می‌دهد. از این رو شش ماه آینده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است» (Triesman, ۲۰۱۳). داگلاس الکساندر^۲، وزیر امور خارجه در دولت سایه وقت، نیز با اشاره به ضرورت این توافق بیان داشت: «جامعه جهانی معتقد است اگر ایران سلاح هسته‌ای را توسعه دهد، جهان را ناامن‌تر خواهد ساخت، بنابراین توافق حاصل شده در ژنو اولین گام ضروری و مهم در راستای امنیت بیشتر جهان بود» (Alexander, ۲۰۱۳).

بعد از امضای توافقنامه ژنو، مذاکرات بعدی در راستای برداشتن گام‌های آخر برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای برداشته شد. در آن مذاکرات نیز دولت انگلستان سعی می‌کرد در کنار دولت آمریکا، ایران را برای محدود کردن توان هسته‌ای اش قانع نماید. انگلستان که می‌دانست اتخاذ راهبرد سخت در برابر ایران نتیجه معکوس می‌دهد، سعی کرد همچنان راهبرد برخورد نرم را حفظ نماید و با

1. David Triesman

2. Douglas Alexander

تعریف و تمجید از سیاست جدید ایران و همچنین وعده لغو تحریم‌ها، دولت ایران را به ادامه مسیر فعلی ترغیب نماید. در راستای اجرای همین راهبرد، وزیر امور خارجه انگلستان در ششم دسامبر ۲۰۱۳ بیان داشت: «ما از تغییر لحن و سیاست دولت ایران در مورد موضوع هسته‌ای استقبال می‌کنیم. وزیر امور خارجه ایران صمیمانه در آرزوی دستیابی به توافق دیپلماتیک است. در چنین شرایطی بهتر است قدرت دیپلماسی را به‌طور کامل آزمایش کنیم» (Hague, ۲۰۱۳).

با گذشت شش ماه از توافق ژنو و به پایان رسیدن مهلت آن، انگلستان که از اشتیاق دولت ایران برای رسیدن به توافق جامع هسته‌ای با کشورهای غربی آگاهی داشت، برای افزایش فشار به دولت ایران و گرفتن امتیازات بیشتر از این دولت، از تمدید مهلت شش ماهه حمایت کرد. فیلیپ هاموند^۱، وزیر خارجه وقت بریتانیا در این باره بیان داشت: «در حالی که در مذاکرات بین ۱+۵ و ایران طی شش ماه گذشته پیشرفت‌هایی حاصل شده است، اما زمان بیشتری لازم است تا شکاف‌ها بین دو طرف از بین برود. چراکه در مورد موضوعات مهم، به‌ویژه در مقیاس و دامنه برنامه غنی‌سازی ایران، همچنان تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد. برای دستیابی به توافق جامع، ایران باید رویکرد واقع‌گرایانه‌تری اتخاذ کند» (Hammond, ۲۰۱۴). با به پایان رسیدن مهلت شش ماهه، مجدداً این سیاست اعمال شد؛ چراکه طولانی شدن روند مذاکرات به دلیل آنکه ایران فعالیت‌های هسته‌ای‌اش را محدود کرده بود اما هنوز تحریم‌ها برداشته نشده بود، برای ایران بیش از طرف غربی ضرر داشت.

با توجه به رویکرد مقامات غربی و ایرانی به مذاکرات هسته‌ای، سرانجام در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ (۲ آوریل ۲۰۱۵) بیانیه لوزان، صادر شد. این بیانیه که شامل خلاصه‌ای از مجموع راه‌حل‌های تفاهم شده برای رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک، پیرامون برنامه هسته‌ای ایران تا ضرب الاجل ۱۰ تیر ۱۳۹۴ بود، مورد استقبال دولت انگلستان قرار گرفت. فیلیپ هاموند، وزیر خارجه وقت انگلستان در این زمینه گفت: «ما پیرامون پارامترهای اصلی توافق جامع درباره برنامه هسته

1. Philip Hammond

ای ایران توافق کرده‌ایم که شامل موافقت ایران برای محدود کردن برنامه هسته‌ای خود با محدود کردن ظرفیت غنی‌سازی و همچنین سطح و ذخایر آن، برای مدت زمان مشخص است. تحقیقات و توسعه صنعت هسته‌ای ایران نیز در حدود توافق، انجام خواهد شد. ایران همچنین توافق کرده است تا نظارت بیشتری بر فعالیت‌های هسته‌ای‌اش صورت بگیرد. یک توافق جامع با این پارامترها اطمینان می‌دهد که برنامه هسته‌ای ایران، صلح‌آمیز خواهد بود» (Hammond, ۲۰۱۵).

۵-۳. سیاست خارجی بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای ایران در آستانه توافقنامه وین (برجام)

مذاکرات هسته‌ای بر اساس توافقنامه ژنو و بیانیه لوزان پیش رفت تا اینکه سرانجام پس از دو سال مذاکره، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) توافقنامه نهایی امضا شد. این توافقنامه نیز که به برجام شهرت یافت، مورد استقبال شدید دولت و ساختار حکومتی انگلستان در سطح خرد قرار گرفت؛ چراکه آنان بر این باور بودند که با این توافقنامه، بدون جنگ توانسته‌اند توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی را محدود و تا حدود زیادی بی‌اثر نمایند و با این اقدام زمینه را برای اعمال سلطه در نظام بین‌الملل (مخصوصاً منطقه غرب آسیا) در سطح کلان فراهم‌تر نموده‌اند. در نتیجه طبیعی بود که فیلیپ هاموند با ابراز رضایت از نتیجه ۱۲ سال مذاکره بیان دارد: «پس از بیش از یک دهه مذاکرات سخت، ما به یک توافق تاریخی رسیده‌ایم که محدودیت‌ها و بازرسی‌های سخت‌گیرانه‌ای را بر برنامه هسته‌ای ایران تحمیل می‌کند. بر اساس این توافقنامه، ایران به آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اجازه می‌دهد تا رعایت محدودیت‌های اعمال‌شده در برنامه هسته‌ای خود را تأیید کند و به جامعه بین‌المللی اطمینان دهد که این برنامه کاملاً صلح‌آمیز است ... با دستیابی به این توافق مهم، اکنون تمرکز ما بر روی اجرای سریع و کامل آن خواهد بود تا اطمینان حاصل شود که ایران قادر به دستیابی به سلاح اتمی نخواهد بود» (Hammond, ۲۰۱۵). دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلستان نیز پس از امضای برجام با برشمردن فواید آن برای جامعه جهانی اعلام داشت: «بعد از دیپلماسی مداوم و اعمال تحریم‌های شدید، جامعه جهانی به توافق

تاریخی با ایران دست یافت. توافقنامه‌ای که هدف اصلی ما را که عبارت بود از جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی، تضمین می‌کند؛ این توافق‌نامه کمک می‌کند تا جهان ما به مکانی امن‌تر تبدیل شود» (Cameron, ۲۰۱۵). سرانجام، یک ماه بعد، یعنی در مرداد ماه ۱۳۹۴ سفارت انگلستان در تهران با حضور وزیر امور خارجه انگلستان بازگشایی شد که نشان از رضایت این کشور از نتیجه مذاکرات هسته‌ای داشت.

با توجه به آنکه مفاد توافقنامه برجام طبق خواسته طرف‌های غربی از جمله انگلستان نوشته شد، طبیعی بود که این کشورها از فرارسیدن روز اجرای برجام یعنی ۲۶ دی ۱۳۹۴ (۱۶ ژانویه ۲۰۱۶) ابراز خرسندی کنند. فیلیپ هاموند در روز اجرای برجام با تاریخی خواندن این روز بیان داشت: «آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام کرده است که ایرانی‌ها به تعهدات خود پایبند هستند. چند تن اورانیوم از ایران خارج شده است و هزاران سانتریفیوژ کنار گذاشته شده است. قلب راکتور اراک نیز خارج و در آن بتن ریخته شده است. درازای رفع تحریم‌ها و منافع اقتصادی حاصل از آن، برنامه هسته‌ای ایران به میزان قابل توجهی عقب افتاده است. بریتانیا نقش اصلی را در انعقاد این توافق‌نامه ایفا کرده است» (Hammond, ۲۰۱۶). سه روز بعد، دیوید کامرون در تماسی تلفنی با رئیس‌جمهور ایران، ضمن تبریک برای فرارسیدن روز اجرای برجام از لزوم پایبندی به انجام تعهدات سخن گفت. وی همچنین برای تشویق ایران به انجام تعهداتش، وعده همکاری بیشتر اقتصادی به رئیس‌دولت ایران داد (Cameron, ۲۰۱۶).

۶. راهبردها و مؤلفه‌های سیاست خارجی بریتانیا در مذاکرات هسته‌ای

برجام

با توجه به مواضع حکومت بریتانیا در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، می‌توان دریافت که کنترل و محدود نمودن برنامه هسته‌ای ایران برای انگلیسی‌ها اهمیت زیادی داشته است. به همین دلیل دولت بریتانیا برای رسیدن به اهدافش در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی و همچنین حل نمودن دیگر مشکلاتش با ایران از راهبردهای متعددی استفاده کرد؛ از جمله آن راهبردها می‌توان به موارد زیر

اشاره کرد:

الف) مقدمه سازی برای مذاکرات بعدی: یکی از راهبردهای انگلستان در کنار تلاش برای امضا و اجرای معاهده برجام، باز کردن مسیر برای مذاکرات بعدی بر سر موضوعات مختلف از جمله موضوع موشکی و منطقه‌ای با ایران بود. در همین زمینه درست در زمانی که مذاکرات هسته‌ای در سال ۱۳۹۲ در حال پیشرفت بود و توافقنامه ژنو به امضا رسیده بود، مارک لیال گرانت، سفیر وقت انگلستان در سازمان ملل گفت: «موشک بالستیک ایران که سال گذشته پرتاب شد، نقض قطعنامه ۱۹۲۹ بود ... انتقال سلاح از ایران به یمن نیز خلاف قواعد بین‌المللی محسوب می‌شود و سازمان ملل باید از وقوع چنین تخلفاتی جلوگیری کند» (Grant, ۲۰۱۳). پس از امضای معاهده وین (برجام) نیز فیلیپ هاموند ضمن استقبال از این توافقنامه تاریخی، اعلام کرد: «ما نگرانی‌های منطقه را در مورد فعالیت‌های منطقه‌ای ایران درک می‌کنیم و انتظار داریم که این توافق‌نامه یک تغییر رویکرد در روابط ایران با همسایگان خود و جامعه جهانی را ایجاد نماید. ما به همکاری نزدیک با شرکای بین‌المللی خود ادامه خواهیم داد تا ایران را ترغیب به ایفای نقش شفاف و سازنده در امور منطقه‌ای کنیم» (Hammond, ۲۰۱۵). متیو ریکرافت، سفیر انگلیس در سازمان ملل نیز پس از امضای برجام در شورای امنیت اعلام داشت: «ما با نگرانی بسیار توجه می‌کنیم که موشک بالستیک با برد متوسط ایران که در ۱۰ اکتبر پرتاب شد، برای بررسی به کمیته ارجاع شود. این موشک قادر به حمل سلاح هسته‌ای بود و به همین دلیل اجرای این عملیات، با بند ۹ قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت که به قوت خود باقی است، مغایرت داشت ... ما همچنین نگران گزارش‌های مربوط به پرتاب موشک بالستیک بیشتر توسط ایران هستیم. در صورت تأیید، ما از یک واکنش مناسب مشابه حمایت خواهیم کرد» (Rycroft, ۲۰۱۵). این راهبرد انگلستان حتی در بیانیه مشترک انگلستان، فرانسه و آلمان برای ترغیب آمریکا به باقی ماندن در برجام نیز قابل مشاهده است. در این بیانیه آمده است: «هم‌زمان با تلاش برای حفظ برجام، ما درباره برنامه موشکی ایران و فعالیت‌های منطقه‌ای این کشور که بر منافع امنیتی اروپا نیز تأثیر می‌گذارد،

ایران نگرانی می‌کنیم. ما آماده هستیم تا با همکاری نزدیک با ایالات متحده و همه شرکای مربوطه، اقدامات مناسب دیگری را برای رسیدگی به این مسائل انجام دهیم. ما به دنبال آن هستیم که ایران برای گفتگوهای سازنده آماده شود و اقدامات بی‌ثبات کننده را متوقف نماید و به سوی مذاکره حرکت کند. دولت‌های ما متعهد هستند که در راستای حفظ برجام بکوشند؛ در کنار برجام، ما باید اطمینان حاصل کنیم که نگرانی‌های جمعی ما در رابطه با مسائل غیر هسته‌ای بیشتر مورد توجه قرار گرفته است» (Joint statement, ۲۰۱۷).

ب) حفظ ساختار تحریم‌ها: یکی از راهبردهای انگلستان در کنار تلاش برای امضا و اجرای معاهده برجام، حفظ و اعمال تحریم‌ها برای فشار هرچه بیشتر به جمهوری اسلامی و اخذ امتیازات بیشتر بود. در همین زمینه، فیلیپ هاموند، وزیر خارجه وقت بریتانیا در زمانی که همچنان مذاکرات هسته‌ای ادامه داشت گفت: «بخش اعظم تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، علیه ایران باقی خواهد ماند» (Hammond, ۲۰۱۴). دو سال بعد از مذاکرات هسته‌ای نیز ریکرافت طی گزارشی در شورای امنیت سازمان ملل با اشاره به لزوم فشار بر ایران برای اخذ امتیاز از این کشور گفت: «ما متعهد هستیم تا اطمینان حاصل کنیم که تحریم‌های موجود علیه ایران همچنان با قدرت اجرا می‌شوند» (Rycroft, ۲۰۱۷). به همین دلیل بود که انگلستان علی‌رغم مخالفت ظاهری با اقدامات دولت جدید آمریکا، با به تأخیر انداختن همکاری اقتصادی با ایران، عملاً با آمریکا در اعمال فشار اقتصادی بیشتر علیه ایران همکاری کرد.

ج) جلب رضایت رژیم صهیونیستی: یکی دیگر از راهبردها و دغدغه‌های انگلستان برای دستیابی به توافقنامه هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران، تأمین امنیت و رضایت رژیم صهیونیستی بود؛ چراکه بدون رضایت این رژیم، ممکن بود که روند مذاکرات با مشکل روبه‌رو شود. به همین دلیل پس از امضای توافقنامه ژنو، وزیر خارجه انگلستان برای جلب رضایت رژیم صهیونیستی به وزیر امور خارجه این رژیم اطمینان داد که مطمئناً پیگیر هدف مشترکشان که جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای است خواهد بود. وی همچنین برای اطمینان

بخشی به این رژیم در راستای حفظ تحریم‌ها بعد از توافق، تأکید کرد که انگلستان و متحدانش توافق کرده‌اند که رژیم تحریم‌ها باید تا زمانی که ایران با توافق جامع و نهایی توافق کند و تمام دغدغه‌های بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای خود را بپذیرد، محکم بماند (Hague, ۲۰۱۴). در اسفندماه ۱۳۹۲ نیز مجدداً ویلیام هیگ به رژیم صهیونیستی اطمینان داد که در زمینه مذاکراتی که امروز و فردا در وین با ایران برگزار می‌شود، تأکید داریم که هدف مشترک ما یعنی تأمین یک توافق جامع که مطابق با نگرانی‌های امنیتی ما باشد، محقق شود و تا قبل از تحقق چنین توافقی، تحریم‌ها همچنان علیه ایران اعمال خواهد شد (Hague, ۲۰۱۴). در سال ۱۳۹۴ نیز نخست‌وزیر انگلستان، شخصاً با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی صحبت کرد و به وی اطمینان داد که در توافق نهایی از دستیابی ایران به سلاح اتمی جلوگیری خواهد کرد (Cameron, ۲۰۱۵).

د) حفظ هماهنگی با دیگر کشورها: یکی دیگر از راهبردهای انگلستان در مذاکرات هسته‌ای برجام، حفظ هماهنگی با دیگر کشورهای ۵+۱ بود. در همین راستا دیوید کمرون در تماسی تلفنی با باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا و پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بیان داشت: «دستیابی به هدفمان در مذاکره با ایران، مستلزم هماهنگی اعضای مذاکره‌کننده است؛ به‌ویژه در زمانی که برای دستیابی به یک راه حل جامع بلندمدت که تضمین‌کننده صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران باشد، در تلاش هستیم» (Cameron, ۲۰۱۴). برای اجرای همین راهبرد، وزیر خارجه انگلستان با وزیر خارجه آلمان نیز دیدار کرد و با بیان آنکه آلمان شریک ثابت در کمک به دستیابی به توافق هسته‌ای موقت با ایران بوده است، از این کشور خواست تا به همکاری‌اش با انگلستان برای دستیابی به توافق نهایی ادامه دهد (Hague, ۲۰۱۴).

انگلستان از جمله کشورهای ۵+۱ بود که همواره سعی می‌کرد هماهنگی‌اش با دیگر کشورها را در مذاکرات هسته‌ای حفظ نماید. به همین دلیل در آستانه صدور بیانیه لوزان، وزیر امور خارجه انگلستان در دیدار با همتایان فرانسوی، آلمانی و آمریکایی و نماینده عالی اتحادیه اروپا در مورد ایران سعی کرد با ارائه

نظراتش پیرامون مذاکرات هسته‌ای، بیش از پیش با کشورهای مذکور هماهنگ شود تا برای دستیابی به توافق نهایی، آمادگی بیشتری داشته باشد. در پایان این دیدار وزارت خارجه انگلستان طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «انگلیس برای دستیابی به توافقنامه نهایی، با شرکای خود همکاری خواهد کرد؛ زیرا مزایای یک توافق قوی برای هر دو طرف بسیار عالی خواهد بود» (Hammond, ۲۰۱۵).

ه) جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی: یکی دیگر از راهبردهای انگلستان در مذاکرات هسته‌ای، جلوگیری از دستیابی ایران به بمب هسته‌ای بود. انگلیسی‌ها معتقد بودند که توانمندی هسته‌ای ایران به قدری باید محدود شود که حتی اگر ایران خواست بمب هسته‌ای بسازد، نتواند. به همین دلیل در آستانه صدور بیانیه لوزان، نخست‌وزیر انگلستان به‌طور صریح اعلام داشت که انگلستان هرگز با توافقی که مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نشود، موافقت نمی‌کند (Cameron, ۲۰۱۵).

و) راهبرد چماق و هویج: یکی دیگر از راهبردهای کشور انگلستان در مذاکرات هسته‌ای، سیاست چماق و هویج بود. به‌طوری‌که از طرفی با تشویق ایران به مذاکره و حل نمودن معضلات اقتصادی‌اش از این طریق، سعی می‌کردند از طرق دیپلماتیک، صنعت هسته‌ای را از دست ایران خارج کنند و از طرفی دیگر سعی می‌کردند با سلاح تحریم، ایران را وادار به تغییر مسیر بکنند. سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا در ماه می سال ۲۰۱۳ در راستای همین راهبرد بیان داشت: «اگر ایران قدم‌های محکمی برای پرداختن به نگرانی‌های اساسی در مورد گسترش سلاح‌های اتمی بردارد، گروه ۱ + ۵ برای بازگشت اقدامات متعادل و متقابل از جمله در مورد رفع تحریم‌ها آماده می‌شود. در مقابل اگر ایران به مسیر فعلی‌اش ادامه دهد، با توجه به نگرانی‌های جامعه جهانی در مورد برنامه هسته‌ای این کشور، مجموعه‌ای از بسته‌های تحریمی بین‌المللی در مورد ایران وجود دارد و این کشور با تحریم‌های سخت‌تری مواجه خواهد شد» (spokesperson FCO, ۲۰۱۳). وزیر امور خارجه انگلیس نیز همچنین طی بیانیه‌ای در همین زمینه اظهار داشت: «ما تمام تلاش خود را برای ترغیب ایران به مذاکره و پایان دادن به بحران هسته‌ای

خواهیم کرد. ما به دنبال دولت جدید در ایران هستیم تا پاسخ کاملی به پیشنهاد ۱+۵ برای اقدام به اعتمادسازی و ارائه همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدهیم. ما آماده هستیم تا روابط خود را به صورت قدم به قدم بهبود بخشیم، اما هیچ‌کس نباید در عزم ما برای جلوگیری از گسترش برنامه هسته‌ای ایران شک کند» (Hague, ۲۰۱۳).

نتیجه‌گیری

از طرفی قدرت بین‌المللی کشور بریتانیا و تأثیرات این کشور در اعمال تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و از طرفی دیگر تلاش دولت جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر برای لغو تحریم‌ها از طریق مذاکرات هسته‌ای با کشورهای ۱+۵ از جمله بریتانیا، منجر به افزایش اهمیت شناخت سیاست‌ها و رویکردهای کشورهای مختلف ۱+۵ شده است. در این پژوهش سعی شد با تمرکز بر کشور بریتانیا و همچنین با مطالعه موردی مذاکرات هسته‌ای برجام به فهم سیاست خارجی انگلستان در این عرصه و همچنین شناخت نحوه برخورد این کشور با دستاوردهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کمک شود. برای این منظور از پیش‌نظریه پیوستگی جیمز روزنا استفاده شد. بدین گونه که با تکیه بر دو متغیر (ساختار حکومتی و ساختار بین‌الملل) از پنج متغیری که روزنا در تبیین و تحلیل سیاست خارجی کشورها موثر می‌داند، سعی شد سیاست خارجی انگلستان در مسئله مذکور تبیین و تحلیل شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که بر اساس پیش‌نظریه روزنا، سیاست خارجی انگلستان در این موضوع قابل تحلیل است؛ چرا که از طرفی ساختار حکومتی بریتانیا با دشمن تعریف نمودن جمهوری اسلامی تلاش کرد که ایران را از صنعت هسته‌ای محروم نماید و از طرفی دیگر ساختار نظام بین‌الملل ایجاب می‌کرد که انگلستان برای حفظ سلطه خود و متحدان غربی‌اش بر نظام بین‌الملل (مخصوصاً منطقه غرب آسیا) با مذاکره بر سر موضوع هسته‌ای و حفظ ساختار تحریم‌ها، زمینه را برای مذاکرات بعدی و خارج نمودن اهرم‌های قدرت از دست جمهوری اسلامی آماده کند.

به همین دلیل توافقنامه برجام برای کشورهای غربی از جمله بریتانیا یک

دستاورد بزرگ تاریخی محسوب می‌شود؛ چراکه هم‌زمان با محروم نمودن جمهوری اسلامی از بخش‌های مهمی از این صنعت، ساختار تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی باقی می‌ماند. در واقع بر اساس اسناد و مواضع دولتمردان بریتانیا پس از این توافق در عین حال که جمهوری اسلامی از دارا بودن فناوری هسته‌ای تا حد زیادی بازمی‌ماند، راه برای اعمال فشار هرچه بیشتر به ایران به بهانه‌های مختلف هموار است. به همین دلیل کشور بریتانیا که سابقه دشمنی دو‌ست‌ساله با ایران دارد به شدت از امضای برجام حمایت می‌کند و حتی پس از آن در راستای حفظ برجام و ممانعت از بین رفتن آن می‌کوشد.

نتایج این تحقیق بیانگر آن است که انگلستان برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات هسته‌ای برجام از راهبردهای متعددی استفاده کرد؛ از جمله: مقدمه‌سازی برای مذاکرات موشکی و منطقه‌ای، حفظ ساختار تحریم‌ها برای اعمال فشار بعد از امضای برجام، تلاش برای جلب رضایت رژیم صهیونیستی و تبیین فواید برجام برای این رژیم، حفظ هماهنگی با دیگر کشورها برای اخذ امتیازات حداکثری از دولت ایران و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح اتمی توسط اخذ ضمانت‌های عینی از این کشور.

منابع

- بیات، سبحان و پویا کلانتری (۱۳۹۷). «بررسی روند بازگشت انگلستان به غرب آسیا از ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۹». *دوفصلنامه علمی تخصصی انجمن علمی معارف اسلامی و علوم سیاسی ره‌آورد سیاسی*. س ۱۷. ش ۵۲. صص ۷-۳۱.
- حسینی متین، سید مهدی (۱۳۸۷). «رویکرد و پایه‌های نظری و عملی سیاست خارجی انگلیس نسبت به جمهوری اسلامی ایران». *فصلنامه سیاست خارجی*. س ۲۲. ش ۳. صص ۶۲۳-۶۵۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۵). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: سمت.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱). «بررسی سیاست خارجی دولت‌های انقلابی جدید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر اساس مدل پیوستگی جیمز روزنا». *فصلنامه راهبرد*. س ۲۱. ش ۶۳. صص ۹۳-۱۱۱.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام و سیدمحسن میرحسینی (۱۳۹۴). «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال براساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا». *فصلنامه راهبرد*. س ۲۳. ش ۷۴. صص ۲۳۵-۲۵۰.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی». *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*. س ۵. ش ۲. صص ۱۵۱-۱۹۸.
- فریدون، حسین و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۷). «عوامل موثر بر گفتمان اعتدال در سیاستگذاری عمومی؛ مطالعه موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیش‌نظریه جیمز روزنا». *فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی*. د ۴. ش ۱. صص ۱۷۷-۱۹۶.
- قاسمی، علیرضا (۱۳۹۵). «تاریخچه مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران». *مجله شهر قانون*. ش ۱۷. صص ۱۴۲-۱۴۴.
- نوری‌ساری، حجت اله (۱۳۹۱). «تحلیل هزینه-فایده روابط جمهوری اسلامی ایران با بریتانیا از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. رشته معارف

اسلامی و علوم سیاسی. دانشگاه امام صادق.

- Alexander, Douglas (2013). Iran. Retrieved from <https://hansard.parliament.uk/Commons/2013-11-25/debates/1311255000001/Iran>
- Blunt, Crispin (2015). The Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs (Mr. Philip Hammond). Retrieved from <https://hansard.parliament.uk/Commons/2015-07-15/debates/15071540000004/IranNuclearDeal>
- Boyatzis, R. E. (1998). Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology". *Qualitative Research in Psychology*. Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Cameron, David (2013). Letter to Dr Rouhani from the Prime Minister. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/letter-to-dr-rouhani-from-the-prime-minister>
- Cameron, David (2013). PM phone call with President Rouhani of Iran. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/pm-phone-call-with-president-rouhani-of-iran>
- Cameron, David (2016). PM call with President Rouhani of Iran: 19 January 2016. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/pm-call-with-president-rouhani-of-iran-19-january-2016>
- Cameron, David (2013). PM statement on Iran. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/pm-statement-on-iran>
- Cameron, David (2014). Prime Minister David Cameron's call with President Putin. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/call-with-president-putin>
- Cameron, David (2015). PM call with King Salman of Saudi Arabia, 27 March 2015. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/pm-call-with-king-salman-of-saudi-arabia-27-march-2015>
- Cameron, David (2015). PM call with Prime Minister Netanyahu, 23 March 2015. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/pm-call-with-prime-minister-netanyahu-23-march-2015>
- Cameron, David (2015). Prime Minister's statement on Iran's nuclear programme. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/prime-ministers-statement-on-irans-nuclear-programme>
- Cameron's Government (2015). National Security Strategy and Strategic

- Defence and Security Review 2015. UK: Williams Lea Group.
- Corbyn, Jeremy (2015). The Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs (Mr. Philip Hammond). Retrieved from <https://hansard.parliament.uk/Commons/2015-07-15/debates/15071540000004/IranNuclearDeal>
- FCO Spokesperson (2013). FCO answers questions about Iran's nuclear programme. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/fco-answers-questions-about-irans-nuclear-programme--3>
- Foreign Office spokesperson (2013). Foreign Office statement on Iranian Election. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-office-statement-on-iranian-election>
- Hague, William (2013). 2014: Making the Wheels of Diplomacy Turn. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/speeches/2014-making-the-wheels-of-diplomacy-turn>
- Hague, William (2013). Foreign Secretary encouraged by Iran nuclear agreement. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-encouraged-by-iran-nuclear-agreement>
- Hague, William (2013). Foreign Secretary updates Parliament on Iran and Syria. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-updates-parliament-on-iran-and-syria>
- Hague, William (2014). Foreign Secretary meets German Foreign Minister. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/speeches/foreign-secretary-meets-german-foreign-minister>
- Hague, William (2014). Foreign Secretary meets Israeli Foreign Minister. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-meets-israeli-foreign-minister>
- Hague, William (2014). Foreign Secretary meets Israeli Minister for International Relations. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-meets-israeli-minister-for-international-relations>
- Hague, William (2014). Foreign Secretary speaks to Iranian Foreign Minister. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-speaks-to-iranian-foreign-minister--2>
- Hammond, Philip (2014). Foreign Secretary statement to the House of Commons on Iran nuclear talks. Retrieved from <https://www.gov.uk/>

government/speeches/foreign-secretary-statement-to-the-house-of-commons-on-iran-nuclear-talks

Hammond, Philip (2015). Foreign Secretary marks important day in Iran nuclear deal. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-marks-important-day-in-iran-nuclear-deal>

Hammond, Philip (2015). Foreign Secretary meets French, German and US counterparts and EU High Rep on Iran. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-meets-french-german-and-us-counterparts-and-eu-high-rep-on-iran>

Hammond, Philip (2015). Foreign Secretary welcomes agreement on key parameters for Iran nuclear deal. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-welcomes-agreement-on-key-parameters-for-iran-nuclear-deal>

Hammond, Philip (2016). Foreign Secretary welcomes implementation of nuclear deal. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-welcomes-implementation-of-nuclear-deal>

Hollis, Martin and Smith, Steve (1990). *Explaining and Understanding International Relations*, Oxford: Oxford University Press.

Holloway, I. & Todres, L. (2003), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence". *Qualitative Research*. Vol. 3, No. 3, Pp. 345-357.

Johnson, Boris (2016). Foreign Secretary attends EU Foreign Affairs Council. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/news/foreign-secretary-attends-eu-foreign-affairs-council--3>

Johnson, Boris (2016). Foreign Secretary speech: "Britain is back East of Suez". Retrieved from <https://www.gov.uk/government/speeches/foreign-secretary-speech-britain-is-back-east-of-suez>

Kubalkova, V (2001), *Foreign Policy in a Constructed International Politics in a constructed world*. Armonk: M.E Sharpe.

Rosenau, James (1971). *The Scientific Study of Foreign Policy*. Neo York: Free Press.

Rycroft, Matthew (2015). "The comprehensive nuclear agreement with Iran is in all our interests." Retrieved from <https://www.gov.uk/government/speeches/the-comprehensive-nuclear-agreement-with-iran-is-in-all-our-interests>

Rycroft, Matthew (2015). These actions show that Iran chooses to complicate, not extinguish, a conflict that has persisted for far too long. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/speeches/these-actions-show-that-iran-chooses-to-complicate-not-extinguish-a-conflict-that-has-persisted-for-far-too-long>

Triesman, David (2013). Iran. Retrieved from <https://hansard.parliament.uk/Lords/2013-11-25/debates/13112512000433/Iran>